

میدان، مقصد بوده نه گره ترافیکی

دکتر محمد بهشتی

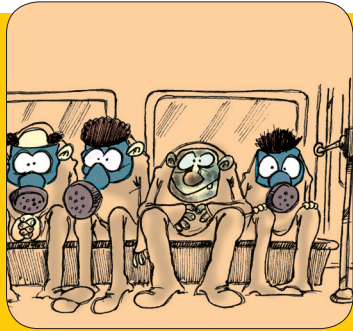
فعال فرهنگی

۷۰-۸۰سال پیش خیابان‌های لاله‌زار، ناصریه، فلسطین، نادری، استانبول و انقلاب ساخته شدند. احداث این خیابان‌ها را که ۷۰سال قبل اتفاق افتاده است بسا خیابان‌هایی که در این سال‌ها احداث شده است، مانند خیابان ۳۰متری، خیابان ۲۱متری، خیابان ۴۶متری و خیابان‌های متری دیگر مقایسه کنید. در گذشته این خیابان‌های متری اصلا وجود نداشت؛ چرا که تعریف مسا از خیابان، معبر، میدان و جاده مشخص و خاص بود. خیابان به مسیری تسطیح شده که دو طرفش جدول یا تیر چراغ‌برق کار گذاشته شده باشد، گفته نمی‌شد، بلکه از نظر جامعه شهری خیابان مسیری است که در آن زندگی شهری جریان داشته باشد؛ یعنی تنها مقصد قرار نگیرد و مسیری برای رفت‌وآمد محسوب نشود؛ مثل خیابان ناصریه که در دهه ۴۰ساخته شد و هر چند به مثابه یک معبر در آن تردد هم اتفاق می‌افتاد، ولی کاربری اصلی‌اش تنها تردد نبوده است.

در آن دوره بین جاده و خیابان تفاوت قائل بودیم؛ بین میدان و فلکه فرق قائل بودیم. فلکه، یک گره ترافیکی بود، اما میدان، یک مقصد. مثلاً اگر یادتان باشد جاده قدیم شمیران را داشتیم که اکنون اسمش خیابان شریعتی است. با این نامگذاری، جامعه می‌فهمید اگر کاربری جایی فقط و فقط عبور و مرور است یا فقط مقصد و مبدأ در آن اهمیت دارد، اسمش «جاده» است. و مهم نیست که آسفالت شده یا نشده باشد. و اهمیتی ندارد که جدول داشته یا نداشته باشد. جریان داشتن زندگی معیار اصلی خیابان‌سازی‌ها بود در صورتی که در دوره جدید عملاً جاده‌ها را خیابان‌ها و از آن بدتر همه خیابان‌هایمان را جاده کرده‌ایم. چرا؟ به دلیل اینکه سیطره کمیت اتفاق افتاد و بر آذهان ما سیطره کمیت حکومت می‌کرد. پس در این دهه‌های اخیر فقط هر چیزی را به‌صورت کمی به جامعه آورده‌ایم. به همین دلیل، شاهد اغتشاش زبانی هستیم؛ یعنی قبلاً به مکانی می‌گفتند خیابان یا میدان و اکنون به مکان دیگر.

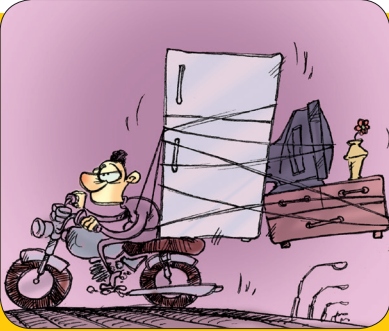
این اتفاق‌ها عملاً می‌تواند برایمان روشن کنند باشد که در این ۷۶ دهه اخیر شاهد توسعه کمی آن هم در کمیت‌های تغییر یافته در شهرهایمان به‌ویژه شهر تهران بوده‌ایم. اما اینکه حقیقتاً توسعه چیست، سؤالی است که هر شهروند باید جوابش را بدهاند. در توسعه‌پذیری شهر، بیش از آنکه کمیت‌ها اهمیت داشته باشد، کیفیت‌ها مهم است و باید برای آن ارزش قائل بود؛ یعنی تبدیل شدن جاده به خیابان اهمیت دارد؛ تبدیل شدن فلکه به میدان مهم است؛ تبدیل شدن یک سکونت وسیع به شهر اهمیت دارد و بعد از آن شهر شدن شهر، حائز اهمیت است.

یک



نظافت شخصی را رعایت کنید...

دو



در تفاوت‌های تریلی و موتورسیکلت اندیشه کنید...

سه



اگر سالمند هستید، خردسالان را به پارک ببرید. خوش می‌گذرد...

چهار



توجه کنید که همراه‌داشتن حیوان خانگی در مترو ممنوع است...

اتفاق هفته

آدم‌برفی در گرمای خرداد

هفته گذشته، در یکی از گرم‌ترین روزهای تهران، یک جشنواره متفاوت در ارتفاعات شمال شهر برگزار شد. کودکان همراه با خانواده‌هایشان در پیست اسکی بین‌المللی توچال آدم‌برفی ساختند. شاید باورش سخت باشد که در گرم‌ترین روزهای سال، جشنواره آدم‌برفی در تهران برگزار شده است. در روزهایی که گرمای کلافه‌کننده خرداد به جان تهران افتاده، در فاصله نه چندان دور از این شهر شلوغ، جمعی از کودکان همراه با خانواده‌های خود به دل طبیعت توچال رفتند و یک جشنواره متفاوت را برگزار کردند. آنها در پیست اسکی توچال که حتی در این روزهای گرم هم پوشیده از برف است، دور هم جمع شدند و آدم‌برفی ساختند. این جشنواره متفاوت، هر سال در توچال برگزار می‌شود و مورد استقبال خانواده‌های تهرانی قرار می‌گیرد.

عکس هفته



ایستگاه تماشایی فرود و پرواز

هر روز می‌بینیم شان؛ نشسته روی لبه پشت‌بام‌ها، در حیاط خانه‌ها، در حرم‌ها، داخل رواق‌ها، در میدان‌های کوچک و بزرگ شهر. آزاد و راه‌می‌چرخند و هر کجا که دوست داشته باشند فرود می‌آیند. آنها چشم به مهرانی ما دارند و توجه به این مخلوقات بی‌آزار و شرکای زندگی شهری این روزهای ما، وظیفه‌ای همگانی است. با این نگاه است که شهرداری منطقه ۶ برای حفظ محیط‌زیست و مراقبت از پرندگان در میدان‌های فاطمی و فردوسی، دانه‌خوری‌هایی از جنس چوب طراحی کرده تا برای رهگذران قلب پایتخت، چشم‌انداز لطیف‌شده‌ای بسازد. حال‌ادر شلوغی روز می‌شود برای لحظاتی، روی نمکتی نشست و تماشاکرد که ماری به همراه فرزندش، گندم‌ها را از کبسه‌ای بیرون می‌آورد و به پسر کوچکش می‌دهد تا کیوت‌ها را همان‌جا کند. این تصاویر، گویای حس‌تعلق به محله و شهری است که همه‌مادر آن زندگی می‌کنیم و در قبالش مسئولیم.

چهره هفته



هندوانه قاچ‌شده هم پس می‌گیریم!

خبر خوب



مینیا‌تور قرن دهم در بلوار کاوه

در شلوغی این روزهای بلوار کاوه و در ترافیک عصرهای این مسیر پر رفت‌وآمد، تماشای نقاشی‌های مینیا‌توری شاهنامه طهماسبی که با اشعار فردوسی زینت داده شده، واقعا غنیمت است. کافی است به این دو برگ از نقاشی‌های مینیا‌توری خیره شوید و چند بیتی از اشعار فردوسی را که در حاشیه این نگارگری نقش بسته زمزمه کنید تا خستگی در ترافیک بلوار کاوه از یادتان برود. نقاشی دیواری ۲۴۰مترمربعی که به‌تازگی توسط هنرمندان منتخب سازمان زیباسازی روی دیوار ۱۲پارتمان حاشیه بلوار نقش بسته، جلوه‌ای خاص و حسی سرزنده به این بلوار بخشیده و حال و هوسای آن را تغییر داده است.

شاهنامه طهماسبی، نسخه‌ای گرانبها از شاهنامه فردوسی است که ۲۵۸برگه نگارگری از افسانه‌ها و داستان‌های شاهنامه را در خود جای داده است.

۱۶ساعت

در طول هفته، زمان تعیین‌شده برای فعالیت نخستین اداره پست تهران بود. این پستخانه را امیرکبیر با هدف امکان ارسال نامه و مرسولات پستی برای عموم مردم فراهم کرد.

۱۲۸۵شمسی

نخستین کافه تهران در خیابان باب‌همایون افتتاح شد. این کافه را تعدادی از دانشجویان با مدیریت فردی به نام «غلامحسین‌خان مولایی» به سبک کافه‌های پاریس ساختند و اسم آن را «کافه قاناطه» گذاشتند.

■ چهارشنبه ■ ۲۴خرداد ۱۴۰۲ ■ شماره ۵ ■ ۸صفحه

۳۰۳

فهرمان

داداش بخورده مهربون‌تر وایسی این ملوس منم راحت‌تر می‌شینما

فهرمان



۳کلتگی که روز عید فطر بر زمین زده شد

حاج محمدباقر معراجی از معتمدان محل تعریف می‌کند: «زمان پیروزی انقلاب، آقا شیخ ۴۰سال داشت و روحانی به روزی بود و خیلی خوب می‌دانست جوان‌ها چه می‌خواهند. جوان‌های محل به‌خاطر نداشتن تفریح، شب‌ها در خیابان‌های شمیران‌نو، شرط‌بندی و فوتبال‌دستی بازی می‌کردند. آقا شیخ احساس می‌کرد که این محله نیاز به یک مجموعه فرهنگی-ورزشی دارد. بالاخره روز عید فطر سال ۵۸کلتگ مجموعه فرهنگی-ورزشی شهدای شمیران‌نو را به زمین زد و نماز عید فطر را در همان زمین خواند. نماز عید فطر آن سال با استقبال بی‌نظیری روبه‌رو شد.» بعدها شیخ رضی به‌قم می‌رود. مردم شمیران‌نو که علاقه زیادی به آقا شیخ داشتند، ۶-۵توبوس می‌گیرند و به‌قم می‌روند و آیت‌الله گلپایگانی به شیخ‌رضی تأکید می‌کند که به شمیران‌نو برگردد.

دغدغه‌های شیخ مردمی

آقا شیخ رضی خیلی اوقات با یک نان بربری زیر عیا- که ناهارش محسوب می‌شد- از این اداره به آن اداره به‌دنبال حل مشکلات محله شمیران‌نو می‌رفت. نداشتن آب لوله‌کشی یکی از این مشکلات بود. حاج آقا معراجی می‌گوید: «چند دهه پیش مردم، شاه‌لوله بالای شمیران‌نو را سوراخ کرده و آب قاجاقی کشیده بودند. به اجبار ما هم از آب قاجاقی استفاده می‌کردیم. به آیت‌الله گلپایگانی تلفن کردم و گفتم: من مجاز هستم از این آب استفاده کنم؟ آیت‌الله فرمودند: تو حق داری از این آب استفاده کنی اما اگر روزی آمدند و هر مقدار بول تعیین کردند، بول را بده که قانون است. نگذار مردم به بی‌فانوی عادت کنند».

حاج آقا معراجی ادامه می‌دهد: «شیخ‌رضی شاکر دین استاد یعنی مرحوم آیت‌الله گلپایگانی بود. نمونه زهد و تقوی در حد‌اعلائی کلمه که همه هدفش اسلام و کمک به مردم بود. بعد از پیروزی انقلاب در آن جوشش انقلابی، تمام تلاشتش را می‌کرد تا حداقل در سطح محله جریان انقلاب به‌براهه نرود. چیزی که آقا شیخ را در ذهن مردم محل جاودیدان می‌کرد، مردمی بودنش بود و دغدغه‌ای که برای مردم شمیران‌نو داشت. دلش برای مردم می‌سوخت. شیخ مانع از کار کسانی بود که قصد داشتند زمین‌های اطراف شمیران‌نو را تصرف عدوانی کنند و به هیچ قیمتی هم نتوانستند او را بخرند.»

۱۵۶سال



از ساخت قدیمی‌ترین حوض شهری تهران می‌گذرد. ساخت این حوض هشت‌ضلعی را در وسط میدان امام‌خمینی^۱ فعلی، «محمد ابراهیم‌خان آذربایجانی» سال ۱۲۴۶به‌دستور امیرکبیر همزمان با ساخت میدان‌نوبخانه شروع کرد.

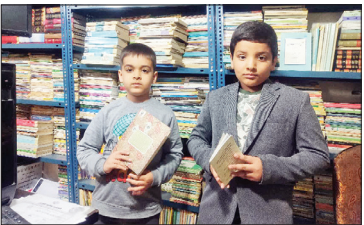


فهرمان

کتابخانه ۲۰متری

آشنایی با زوجی که پارکینگ منزل شان را به کتابخانه‌ای محلی تبدیل کرده‌اند

بر خلاف پارکینگ منزل مسکونی، اینجا خبری از خودرو نیست. تا چشم کار می‌کند کتاب می‌بینید و کتاب. مهدی شبیری و سمیرا قدیبگی، زوج خوش‌فکری‌اند که بسیاری پر کردن اوقات فراغت اهالی محله به‌ویژه نوجوانان و جوانان محله تاکسیروانی، پارکینگ خانه‌شان را به پاتوق فرهنگی تبدیل کرده‌اند.



این کتابخانه متفاوت هر روز پذیرای اهالی و بچه‌هایی است که آمده‌اند تا کتابی را به امانت ببرند و یا همان‌جا از کتاب‌های مرجع موجود استفاده کنند؛ فضای کوچک و گرم که همه داشت‌هاش یک میز و چند صندلی است. این گنجینه، حاصل گردآوری کتاب‌هایی است که سال‌ها شبیری و همسرش برای ارتقای دانش فرزندان شان آنها را خریده و اکنون رایگان در اختیار دیگران قرار داده‌اند. مهدی شبیری خود صاحب ۴۳۰۰فرزند است و به همین دلیل دوست دارد کتاب‌هایی را که فرزندانش مطالعه کرده‌اند در اختیار نوجوانان و جوانان محل‌هاش قرار بدهد. شبیری می‌گوید: «در محله ما پاتوقی برای جوانان و نوجوانان وجود ندارد و به همین دلیل، من و همسرم تصمیم گرفتیم پارکینگ خانه‌مان را به مکانی برای تجمع نوجوانان تبدیل کنیم. در این راه همسرم مشوق و همراه بود. به هر حال این کتاب‌ها یک ثروت معنوی است که باید آن را با اطرافیان‌مان به اشتراک بگذاریم. اکنون بیش از ۴هزار و ۵۰۰عنوان کتاب در این کتابخانه موجود است که بیشتر کتاب‌ها را خودم تهیه کرده‌ام. اهالی و آشنایان هم کتاب‌های اضافی‌شان را به کتابخانه هدیه داده‌اند. به جز حدود ۳۰۰جلد کتاب مرجع مانند تفسیر نمونه و میزان، مابقی را می‌توانند به امانت ببرند.» جلسات دوره‌ای قرآن، مدت‌هاست که در منازل خانواده و آشنایان شبیری دایر است و به نوعی جرقه شکل‌گیری این کتابخانه از این محفل زده شد و مخاطبان کتابخانه هم آن‌ها هستند. او می‌گوید: «اغلب موضوع‌های مطرح‌شده در جلسات، حول محور کتاب‌های رهبر معظم انقلاب است. به همین خاطر در این جلسات، کتاب معرفی و پراساس آن کتاب، مسابقه جشنواره را بر پا می‌کنیم.» شبیری معتقد است: «این روزها نسل جوان و نوجوان، گرایش زیادی به استفاده از فضای مجازی دارد و کتابخوانی و مطالعه فرهنگی در جامعه ما کمتر نگ شده است. البته مسئولان فرهنگی ما مرتب درباره خواندن کتاب توصیه می‌کنند اما این موضوع زمانی اثربخش است که امکانات مطالعه برای آنها فراهم شود. در محله ما متأسفانه کتابخانه‌ای وجود ندارد و کتابخانه محلی ما توانسته تا حد قابل ملاحظه‌ای نیاز بچه‌ها را جبران کند.»

